

از در گوشه ها

بقلم: پیرایه

میکوبند و به باد انتقاد می گیرند. اینجاست که این مخلص هیچ کاره و اهل هیچستان هرگز موفق نمی شوم سر از فلسفه سوسیالیست میلیاردر پاپ پسند امروز آمریکا در بیاورم. حتماً سوادش را ندارم لابد این هم برای خود مرام و مسلک جدیدی است پیچیده تر از فهم و شعور امثال ما بی کس و کارهای آواره بی پول. در کیهان شماره ۱۲۱۰ چاپ لندن، صفحه ۱۱ در یادداشتهای پی تاریخ از استاد گرانقدر صدرالدین الهی می خوانیم. "در عصری که چینی ها تندتند اتوبیل های آخرین سیستم مانند (رولزرویس) و (جگوار) سفارش می دادند که سوار بر آن راهی کنگره حزب کمونیست شوند و فردای سرمایه داری جهان را در اختیار «ماوئیسم نو» بگیرند، الی آخر، متوجه این نکته می شویم که چگونه «مالاتاریا» همپای «پرولتاریا» ی جدید قدیم دو برداشته و سهم آب و نان و برق و مسکن مستضعفین بیچاره که از بدو خلقت تا دوره زمامداری بر تخت نشینان لوطی خور" می شد به شکرانه انقلاب از گلولی مستکبرین خداناشناس و طاغوتیان مفسد فی الارض بیرون کشیده روانه "سرمایه گزاری" های امن و آمان خارج گشت. ضمناً میندارید که وسعت چپاول و اشتباهی پدر دارهای امروزی یا بی پدر مادرهای دیروز برابری دارد. تفاوت از زمین تا آسمان است. میدانم بسیاریند هنوز کسانی که همین سرنوشت شوم را بیش از پیش قبول دارند می روند و می آیند و شکر باریتعالی به جای میاورند. چه می شود کرد. بعضی عقده ها هرگز گشوده نخواهد گشت و چه بهتر که ملاخور شود! و ما مردم حق ناشناس چه خوش خیال بودیم و چه آسان با قلاب دست اجانب نشستم بر سر شاخه و بن بردیم و تذکر خداوند بستان را ناشیده انگاشتم. در حال حاضر همین درد دامنگیر مردمان این قاره هم شده. از یکی دو خانم مسن آمریکائی علت را جویا شدم هر دو با دلخوری گفتند که این بیماری مسری کاملاً تازه ای دارد و خوشایند قدیمی ها نیست. یادم میاد حدود نیم قرن پیش در یک کوچه باریک بن بست محله ما زن تقریباً پنجاه ساله ای خیاطی می کرد. در اطاق کوچکی جنب درب ورودی خانه که با جاجیم رنگ و رو رفته ای همیشه باز بود روی زمین جلوی چرخ خیاطی سوار بر چهارپایه کوتاه چوبی نشسته کار می کرد. گهگاه سراغش میرفتیم که همیشه هم سر وقت کار را تحویل مشتری میداد. ساکت و آرام دستمزد مختصری می گرفت و سرزیر اهل کوچه های دور و بر را راه می انداخت شنبه بودم در یک شهرستان دور دست شوهرش با دو برادر مزرعه دار بوده اند و این زن با سه اولاد ذکور بعد از فوت شوهر به تهران کوچ کرده و پسرها در بازار شغلی دست و پا نموده و مادر مشغول کار خیاطی شده. سالی چند گذشت و ما از آن محل اسبابکشی کرده رفتیم. خانم خیاط هم از یاد

قدیم ترها زمانی که ما سالمندان امروز داخل آدم به حساب می آمدیم یعنی "پیری" عار و ننگ نبود و به محض اظهار نظر نمی گفتند: "ای بابا، محلش نزار، پیر شده قاطی کرده . ولش کن." هر گاه می خواستند به فردی عزت بگذارند در نهایت تکریم می گفتند: "محترمه. پدر مادر داره." البته آدمیزاد بدون "بابا ننه" به این دنیا تشریف فرما نمی شود در عین حال منظور نظر کسی می بود که مثلاً اهل محل به دلیلی او را می شناختند. خیرش به در و همسایه می رسید و یا به اصطلاح "در خانه اش باز بود و می شد در صورت نیاز روی آن شخص حساب کرد. خلاصه آنکه "پدر مادر" داشتن دلیل تمول یا مقام شناخته نمی شد و حتی یک معلم یک لاقبا چون آموزگار فرزندان کسبه محله بود همه جلوی پایش قد علم می کردند و "آقا" خطابش می نمودند گذشت تا رسیدیم به آن دو دهه اواخر دوران "هر کی هر کی" که ناگهان افرادی "رو" آمدند و مقامات را قبضه کردند که افتخارشان تکیه کلام "خود ساخته" بود و اینکه، مرحوم ایوبی کسی نبود. فقیر بود و کارگر روز مزد. "بسیار نیکو و البته بسی مایه سربلندی. در عین حال کنایه و اشاره به افرادی که مثلاً از خانواده های سرشناس قدیمی به جایی رسیده بودند. بدین معنی که اینان صرفاً به اتکاء نام و نشان آباء اجدادی و تمکن فامیلی مقامی تصاحب نموده اند و الا فراست و کپاست "خودساختگان" کجا و سفاقت و خبثت فرومایگان و "پلو خورها" کجا!! و چه آسان می شد فهمید که همین "خود ساخته" کدام "عرب و عجمی" را دیده و با کدامین مشاوران سازمانها و برنامه ریزها معاملات بده بستان زیرمیزی برقرار کرده. منظور آنکه اگر به ممارست کسب علم و معرفت نموده و در مقام خدمت به ملک و ملت کسی شده ای اگر شکمت سپر بوده و تنت پوشیده درد دیگران را حس نمیکنی و حتماً کارذاتی امثال ما را نداری. نمی فهمیم مگر امکان نداشت در زیر سرپناهی و تکیه گاه دانا و دلسوزی صاحب فهم و کمال می شد؟ که البته در آن دوران "فهم و کمال" فقط در "مال و منال" خلاصه می گردید و "پول داری" محک بزرگی و بزرگواری خلاصه اقتدر تالاب را هم زدند تا کاملاً لجن بالا آمد و آب زلال پائین کشید، قبول کردیم و مرخص شدیم. می بینیم در حال حاضر اینجا

هم روزگار به همین مرحله سقوط کرده. یعنی "پدر مادر" داشتن بد تعبیر می شود. متمکن بودن شرم آور است و کسی به حساب آمدن اسباب خجالت... راستش حیرانم و مرتب در رسانه ها می شنوم شخصی با افتخار می گوید: "من گرسنگی کشیده ام. پدرم پهن پا می زد و مادرم جارو کش خیابان بود." و بعد با لحنی تحقیر آمیز: "ولی فلائی در خانه بزرگ بار آمده. با قاشق غذاخورد." و از همین رده سخنان اهانت آمیز و اتهامات مسخره که چرا پدر یا مادر آن فرد مورد نظر مثلاً کارخانه دار بوده و یا صاحب چند مزرعه. نه آنکه چندین و چند خانوار را نان می داده و ده ها کارگر را اداره می کرده و صدها نفر را می خوراند و می پوشانده پس باید مطرود و مغفور شناخته شود چون مستمند نبوده و همین آدم گنه کار عقده ندارد. بخل و کینه نمی ورزد. و "پدر مادر" داشتن دیگران را نفی نمی کند. و آن دیگری که می گوید پدرش هفت سرعائله بی سرپرست را ترک کرده و گم شده وقتی دستش جائی بند فوراً مشغول جمع آوری مال شده و سعی می کند خودش را همردیف همان شخص مالدار قدیمی بشناساند که بعدها اولادش پدر مادر دار معرفی شوند و هم شأن اعیان اشراف سرشناس! که چه شود؟ نمیدانم صد رحمت به رفتگان و بازماندگان همان "هزار فامیل" که حداقل آداب اجتماعی و نزاکت مردم داری سرشان می شد و خودشان را گم نمی کردند مثلی بود آن روزها که می گفتند: "یارب مباد گدا معتبر شود" که واقعاً هر که را دیدیم و یا شنیدیم "از خدا بی خیر شدند". و ملک و ملت را به باد فنا سوق دادند چرا که سالیان سال می شد "پدر مادر" دارها را به کنج عزلت رانده و "مکتب رجال" را در مملکت از بین برده بودند فقط برای آنکه نوکیسه گان و تازه به دوران رسیدگان با پول نفت و به روی تمام ارکان مملکت چنگ انداخته و بانکهای خارج از کشور را می انباشتند همچنانکه این ایام نیز کماکان ادامه دارد البته در ابعاد بسی سنگین تر!! متأسفانه عین همین فلسفه با پیشگامان "حلقهها" مطابقت می یابد. در همین دیار وافتسا می خوانیم و می شنوم که فرد فرد حضرات چیکرای دوستدار زحمتکشان و کارگران بیشتر در تکاپوی ثروت اندوزی و سرمایه داری با یکدیگر مسابقه می دهند و البته به هر بهانه هم متمولین و طبقات مرفه را

تعداد «ازدواج موقت» - «صیغه» در ایران همچنان رو به افزایش است

آنچه که از سوی مراجع رسمی در ارتباط با ازدواج موقت اعلام می شود به هیچ عنوان صحت ندارد چرا که در صد بالایی از این ازدواج ها به ثبت نمی رسد و فقط در برکه ای درج می شود. - یک مدرس حقوق اسلامی واشنگتن - سرویس خبری ایران تایمز: قانونی بودن ازدواج موقت یا «صیغه» در ایران، با توجه به «تسهیلات» در نظر گرفته شده در این زمینه، باعث افزایش روز افزون آن شده است. یک مدرس فقه اسلامی در تهران، «ناهنجاری ها و آسیب های اجتماعی» را یکی از پی آمدهای رواج «صیغه» دانست. براساس قوانین فقهی که در ایران ناظر بر امر ازدواج است، ازدواج موقت امری قانونی شناخته شده و عاملان آن موظف به ثبت رسمی این امر نیستند. خواندن شرعی «صیغه

های موقت در ایران را رو به افزایش دانست. به گفته وی، در حال حاضر بسیاری از دفاتر به صورت غیررسمی با هزینه ای اندک ازدواج موقت را در برکه هایی خاص درج می کنند و مدارک خاصی نیز برای این امر نیاز نیست و این عوامل باعث شده تا مردان دیگر تمایلی برای ثبت این ازدواج ها نداشته باشند. وی به وضعیت فرزندان که از این گونه پیوندهای «زنناشویی موقت» به دنیا می آیند اشاره کرد و گفت: وضعیت این قبیل کودکان در هاله ای از ابهام قرار دارد و اکثر آنان از همان سالهای ابتدایی زندگی با مشکلات فراوانی روبرو می شوند. وی یادآور شد: معضل ازدواج های موقت هر سال رو به افزایش است و این در حالی است که راهکاری برای جلوگیری از افزایش این پدیده در جامعه ارائه نمی شود. پس از انتخاب محمود احمدی نژاد به مقام ریاست جمهوری

دکتر جمیله زنده نام
وکیل پایه یک دادگستری ایران
دارای ۲۸ سال سابقه در امور حقوقی داخلی ایران و بین المللی

جهت مشاوره و حل کلیه مسائل حقوقی خود در ایران با من تماس بگیرید

◆ مشاوره حقوقی ◆ قبول وکالت در کلیه امور حقوقی در دادگاههای ایران ◆ طرح دعاوی ملکی علیه اشخاص و نهاد های دولتی ◆ امور خانوادگی، ازدواج و طلاق ◆ امور تجاری و بازرگانی و ثبت شرکت ها ◆ تنظیم وصیت نامه و انحصار وراثت ◆ تنظیم انواع قرارداد و وکالتنامه ◆ اخذ شناسنامه، گذرنامه و کارت ملی ◆ ترجمه کلیه مدارک به فارسی و انگلیسی

Tel: (925)348-5750 ◆ Fax: (866)322-5755
jamilehzenedehnam@sbcglobal.net
334 N. 2nd Street, San Jose, CA 95112

مینا فتوحی
نامی مطمئن و مجرب
مشاور صدیق و مورد اطمینان جامعه ایرانی با سالها تجربه و تخصص در امور خرید و فروش املاک مسکونی، زمین و تجاری

برآورد ارزش منزل شما در اسرع وقت و مقایسه آن با منازل اطراف و منازلی که به فروش رفته اند.

پیدا کردن خانه های Fixer برای علاقه مندان به سرمایه گذاری

COLDWELL BANKER mina.fotouhi@cbnocal.com

Mina Fotouhi
Business: (408) 741-4717
Cell: (408) 506-0702
12029 Saratoga-Sunnyvale Rd.
Saratoga, CA 95070

شعبه جدید عکاسی طلائی در قلب بی اریا افتتاح شد

مترده با مدیریت بهزاد طلائی **مترده**

صاحب امتیاز و مدیر سابق خانه عکس طلائی بزرگترین استودیوی عکاسی و فیلمبرداری در غرب تهران

*** پرتره، عکس پاسپورتی، کارت سبز**
*** عکسبرداری و فیلمبرداری از مجالس**

*** روتوش عکسها در صورت تمایل**
*** تهیه وب سایت برای عروس و داماد**

با بیش از ۲۴ سال سابقه کار حرفه ای در ایران، ژاپن و آمریکا

تخفیف ویژه با ذکر این آگهی

1-866-417-5358 (408) 661-8710